

Journal iranian political sociology

Vol. 4, No.3, fall2022

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.314804.2629>

International responsibility of governments using chemical weapons

Abstract

The silence of the international community against the governments that use chemical weapons on the one hand and the assistance of some governments in equipping the governments that use these weapons on the other hand has had terrible consequences in human, economic, social and ... dimensions. Is. Despite the relevant documents in this field, especially the 1925 Protocol and other declarations and documents of the United Nations in the field of the prohibition of production, reproduction, distribution, accumulation and use of chemical weapons and mass killings against civilians, children, women and .. Some governments have used chemical weapons and massacres, especially against civilians, without complying with any of the above. Lack of effective enforcement guarantees and adequate sanctions to deal with violators of international rules and declarations are obstacles that require the cooperation and support of all member states.

Keywords International Responsibility, Protocol 1925, Prohibition of the Use of Chemical Weapons, Humanitarian Law, Armed Conflict Law

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.314804.2629>

مسئولیت بین‌المللی دولت‌های استفاده‌کننده از سلاح‌های شیمیایی

نادر مردانی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۹

چکیده

سکوت جامعه بین‌المللی در مقابل دولت‌های استفاده‌کننده از سلاح‌های شیمیایی از یک سو و کمک‌های برخی از دولت‌ها در تجهیز دولت‌های استفاده‌کننده از این تسلیحات از سوی دیگر نتایج وحشتناکی در ابعاد انسانی، اقتصادی، اجتماعی و... به بار آورده است. علی‌رغم اسناد مرتبط در این زمینه و بخصوص پروتکل ۱۹۲۵ و سایر اعلامیه‌ها و اسناد سازمان ملل متحد در زمینه ممنوعیت تولید، تکثیر، توزیع، انباشت و استفاده از سلاح‌های شیمیایی و کشتار جمعی علیه افراد غیر نظامی، کودکان، زنان و...، برخی دولت‌ها بدون رعایت هیچکدام از موارد مذکور که به قطع در بستر قاعده‌آمره قابل شناسایی است، اقدام به استفاده از سلاح‌های شیمیایی و کشتار جمعی بویژه علیه افراد غیرنظامی نموده‌اند. این پژوهش با مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی و با روش تفسیری-کیفی در پی پاسخ بدین سوال است که مسئولیت بین‌المللی دولت‌های استفاده‌کننده از سلاح‌های شیمیایی چیست؟ که در پاسخ گفته شده است فقدان ضمانت اجرایی موثر و مجازات‌های متناسب برای مقابله با ناقضین قواعد بین‌المللی و اعلامیه‌های صادره از موانعی است که همکاری و حمایت همه دولتهای عضو را می‌طلبد.

واژگان کلیدی: پروتکل ۱۹۲۵، حقوق بشردوستانه، حقوق مناصمات مسلحانه، مسئولیت بین‌المللی، منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی.

^۱ دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

در جهان امروز استفاده از سلاح های شیمیایی، مقوله‌ای نیست که بتوان به سادگی از کنار آن گذشت. واکنش جامعه بین المللی بین‌المللی علیه این موضوع بسیار شدید است. نمونه بارز آن استفاده عراق از سلاح های شیمیایی است که با فشارهای بین‌المللی شدیدی مواجه گردید. استفاده از سلاح های شیمیایی عکس العمل جوامع بشری را برانگیخته است. علی رغم این امر، بسیاری از قدرت های بزرگ همچنان به انباشت و تولید این سلاح ها ادامه داده اند.

با عنایت به گستردگی دامنه شمول خسارات غیر قابل جبران به حادثه دیدگان و مصدومان این اقدامات و عدم پیگیری مستمر و جدی موضوع از طرف قربانیان و دولت های متبوعشان و به منظور احقاق حقوق مصدومین و قربانیان شیمیایی در صدد بررسی و تحقیق در ابعاد مختلف استفاده از تسلیحات شیمیایی، مسئولیت دولت ها طبق مقررات حاکم بر حقوق بین‌الملل در قبال استفاده از این تسلیحات و تجهیز دولت ها توسط شرکت ها و دولت های ثالث و سایر موضوعات مرتبط هستیم. استفاده از سلاح های شیمیایی، میکروبی و سایر سلاح های کشتار جمعی توسط دولت‌ها باعث شده است که سازمان ملل متحد سازمان کنوانسیون منع سلاح های شیمیایی^۱ [مهم‌ترین معاهده بین‌المللی منع تولید، انباشت و استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی و جنگ‌افزارهای شیمیایی است که در تاریخ ۱۳ ژانویه ۱۹۹۳ میلادی در پاریس و نیویورک به تصویب نمایندگان ۱۶۵ کشور عضو سازمان ملل متحد رسید و از تاریخ ۲۹ آوریل ۱۹۹۷ میلادی، لازم‌الاجرا گردید] را تشکیل دهد. استفاده عراق از سلاح های شیمیایی از موارد آشکار نقض مقررات بین‌المللی و از نمونه های جنایت علیه صلح و امنیت بشری است. در حالی که عراق با پذیرش و تصویب کنوانسیون و مقررات بین‌المللی متعهد شده بود از کاربرد این گونه سلاح ها امتناع نماید، ولی در عمل به شدیدترین نحو، این تعهد را نقض نمود و از سلاح های شیمیایی به طور گسترده علیه مردم غیر نظامی ایران، مردم حلبچه و همچنین سربازان ایرانی استفاده نمود.

لذا با عنایت به مطالب مذکور این پژوهش در چهار بخش تهیه و تنظیم گردیده است. در بخش اول به بررسی پیشینه تاریخی و ضرورت موضوع پرداخته و اصول حقوق بشردوستانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در بخش دوم سلاح شیمیایی تعریف شده است. در بخش سوم قواعد حاکم بر منع استفاده از سلاح های شیمیایی در چهار قسمت اسناد پیش از پروتکل ۱۹۲۵، اسناد پروتکل ۱۹۲۵، منع استفاده از سلاح های شیمیایی در ملل متحد و نهایتاً منع استفاده از سلاح های شیمیایی در رویه دولت ها مورد بررسی قرار گرفته و نهایتاً در بخش چهارم به تجزیه و تحلیل انتساب مسئولیت دولت های استفاده کننده از سلاح های شیمیایی پرداخته ایم.

۱- پیشینه تاریخی و ضرورت موضوع

در جامعه بین‌المللی که وابسته به مفاهیم صلح و حقوق بشر است، آثار و پیامدهای بروز جنگ در صورت تداوم مفهوم واقعیت زندگی را خالی از معنای سازد، لذا در تاریخ حقوق بین‌الملل تلاش های زیادی به منظور ایجاد مانع برای بروز جنگ به عمل آمده است. هدف عالی جامعه بین‌المللی باید کاهش تا حد ممکن آسیب های نامطلوب همراه با مخاصمات مسلحانه باشد. با در نظر داشتن این هدف دو رشته قواعد ایجاد شده است: حقوق توسل به زور^۲ که بر قانونی بودن توسل به زور حاکم است و حقوق زمان جنگ^۳ که بر قواعد قابل اعمال بر رفتار در عرصه جنگ دلالت دارد. هیچ گونه حفاصل نفوذ ناپذیر مطلق بین این دو شاخه حقوقی وجود ندارد. برای مثال حق دفاع مشروع^۴ مستلزم رعایت شرایط ضرورت^۵ و تناسب^۶ است. اقدامات معطوف به دفاع مشروع نمی تواند فراتر از آنچه ضرورت دارد و مقتضی نیل به اهدافی است که دنبال می شود یعنی توقف حمله مسلحانه، صورت گیرد. (۱) در نتیجه اگر در یک وضعیت خاص، این مرزها شکسته شود اقدام مربوطه غیرقانونی می شود. ما در اینجا با یک مفهوم موثر در حقوق بین الملل مواجه هستیم و آن قاعده آمره است، قاعده آمره حقوق بین‌الملل عام قاعده ای است که به وسیله کل جامعه بین‌المللی کشورها به عنوان قاعده ای تخلف ناپذیر، که تنها با یک قاعده

بعدی حقوق بین‌الملل عام، با همان ویژگی قابل تعدیل می‌باشد، پذیرفته و مورد شناسایی قرار گرفته‌است. معیاری که برای تشخیص قواعد آمره می‌توان قائل شد در این واقعیت نهفته‌است که آنها «منافع برتر کل جامعه بین‌المللی را حفظ می‌کنند» منفعتی که تخطی از آن جایز نمی‌باشد. درباره ریشه‌های قواعد آمره تلادی (گزارشگر ویژه) به بیان این نکته می‌پردازد که در این خصوص نظریات دو گروه قابل تأمل است است: بعضی از علما اعتقاد دارند که ریشه اصلی قواعد آمره، حقوق طبیعی (حقوق داخلی) است، در حالی که بعضی دیگر حقوق پوزیتیویسمی (اراده دولت‌ها) ریشه قواعد آمره می‌پندارند. تلادی مبنای گزارش خود را ماده ۵۳ کنوانسیون وین قراردادده ولی اضافه می‌نماید که کمیسیون حقوق بین‌الملل خود را محدود به این ماده نمی‌کند. با وجود این بطور کلی حقوق حاکم بر زمان جنگ باید از حقوق توسل به زور متمایز گردد. با این حال امروزه مرز میان این دو شعبه از بین رفته و در کلیتی با عنوان حقوق بشردوستانه بین‌المللی^۷ بر مخصصات مسلحانه حاکم شده است. از آنجا که حقوق بشردوستانه بین‌المللی، به دنبال ذره ای مدنیت است، در اثنای وخیم‌ترین رویداد فاجعه باری که جوامع انسانی می‌توانند تجربه کنند، می‌تواند به عنوان یکی از شاخه‌های قواعد بین‌المللی حقوق بشر طبقه بندی شود. در جریان یک رویارویی مسلحانه، حقوق بشر به ناگزیر آسیب می‌بیند، بنابراین، به منظور انطباق رژیم متعارف حقوق بشر با ویژگی‌های جنگ مسلحانه، باید قواعد ویژه ای ایجاد شود تا هر قدر که ممکن باشد از ذات و جوهر اصلی جنگ فاصله گرفته شود. هدف اصلی حقوق بین‌الملل بشر دوستانه این است که طرفین مخاصمه را ملزم نماید تا بین نظامیان و غیرنظامیان تفکیک قائل شود. چنین هدفی مورد قبول همه نظام‌های حقوقی می‌باشد و حقوق بشر دوستانه موقعی به این هدف خود نائل می‌شود که در عمل نیز مورد توجه طرفهای مخاصمه قرار گیرد. بنابراین اصل تفکیک مفهومی جز تمایز ندارد؛ تمایز میان اهداف نظامی و اهداف غیرنظامی. مهمترین اثر رعایت اصل تفکیک ممنوعیت حمله به غیرنظامیان است، غیرنظامیان که هیچ‌گونه مشارکت و نقشی در مخصصات مسلحانه ندارند، برای رسیدن به چنین هدفی، نظامیان بایستی خودشان را از غیرنظامیان جدا نمایند؛ زیرا که طبق اصل تفکیک، رزمندگان می‌بایست خودشان را از مردم غیرنظامی تفکیک نموده و حملات خویش را صرفاً بر علیه اهداف نظامی انجام دهند و حملات بدون تفکیک بر نظامیان و غیر نظامیان ممنوع و غیرقانونی است. مفاد این را می‌توان در اسناد بین‌المللی مهم از جمله کنوانسیون نهم لاهه، کنوانسیون چهارم ژنو و پروتکل‌های الحاقی شماره ۱ و ۲ منضم به کنوانسیون‌های ژنو و همچنین در قطع‌نامه‌های مجمع عمومی و شورای امنیت مشاهده نمود. (۲) جامعه بین‌المللی همواره به دنبال این بوده که منازعه مسلحانه را از افتادن در وادی افراط در کشتار، که مرگ و نابودی تنها اصول راهنما باشند، بازدارد. (۳) کنفرانس صلح لاهه در سال ۱۸۹۹ به ابتکار حکومت روسیه تزاری تشکیل گردید. مهمترین دستاورد این کنفرانس نیل به توافق راجع به عهدنامه رعایت قواعد و عرف‌های جنگ زمینی بود (۴) که مقررات ماهوی زیادی را در بر می‌گرفت. از زمان دو کنفرانس لاهه، حقوق بشر دوستانه به دو شاخه تقسیم گردید. از یک طرف حقوق لاهه بود که قواعد مربوط به مخاصمات را در قبال هر کسی که درگیر در جنگ می‌شد مقرر می‌داشت. از طرف دیگر حقوق ژنو، که مشتمل بر قواعد حمایت‌کننده از اشخاصی بود که در عملیات مسلحانه شرکت نداشتند. بعد از جنگ جهانی اول پس از رویارویی، کنفرانسی در ژنو برگزار شد که به انعقاد دو عهدنامه در مورد «وضعیت اعضای زخمی و بیمار نیروهای مسلح در صحنه رزم» و «اسرای جنگی» منتهی گردید. در هر حال کنفرانس‌های صلح ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه مقررات مختصر و جزئی در رابطه با وضعیت حقوقی غیرنظامیان داشت اما پیامدهای تلخ و ناگوار نشأت گرفته از دو جنگ جهانی علی‌الخصوص جنگ جهانی دوم، ناکافی بودن حمایت از غیر نظامیان را آشکار ساخت و سرآغاز تفکری گردید که بر اساس آن غیر نظامیان می‌بایست بیشتر از گذشته مورد حمایت قرار گیرند. در این راستا بود که کنوانسیون چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو و دو پروتکل الحاقی به آنها به سال ۱۹۷۷ تدوین گردید. اسناد مذکور در مجموع مقررات منسجم و قابل قبولی جهت حمایت بیشتر از غیر نظامیان ارائه داده

است. (۳) هر چند دولت‌های درگیر در هنگام مخاصمات مسلحانه ممکن است این مقررات را نقض نمایند. به عنوان مثال دولت عراق در جنگ با ایران بارها حقوق غیرنظامیان را نادیده گرفت.

مسئولیت دولت می‌تواند به مثابه راه حلی جهت اعمال قواعد حقوق بشردوستانه تلقی شود. نخست بدیهی می‌نماید که مسئولیت دولت تنها در روابط بین‌الدولی، یعنی در صورتی که مخاصمه مسلحانه بین‌المللی رخ دهد، می‌تواند قابل حصول باشد. اما مسئولیت دولت، بنا بر تعریف، گستره بیشتری را شامل می‌شود.

سه اصل اساسی حقوق بین‌المللی بشردوستانه عبارتند از:

- تفکیک: اصل تفکیک از آنهایی که جنگ را برپا داشته‌اند می‌خواهد تا میان افرادی که در مخاصمات شرکت می‌کنند و آنهایی که در مخاصمات شرکت ندارند (یا دیگر مشارکت نمی‌کنند) تمایز قائل شوند. این چیزی است که کمیته بین‌المللی صلیب سرخ آن را «اصل تفکیک» می‌نامد. اصل تفکیک، به همراه اصل حمایت از غیرنظامیان، نقش بنیادی در حقوق بین‌المللی بشردوستانه دارند. طبق این اصل، طرفین در حال جنگ باید در تمامی زمان‌ها میان غیرنظامیان و مبارزان، و میان اشیاء غیرنظامی و اهداف نظامی و اهداف نظامی تمایز قائل گردند. در نتیجه، آنها ملزم هستند تا عملیات نظامی را تنها علیه اهداف نظامی هدایت نمایند. در صورت عدم اطمینان، شخص را باید غیرنظامی فرض کرده و به تبع او را مورد هدف قرار نداد. وضعیت یکسانی نیز در خصوص اشیائی که به طور معمول برای مقاصد غیرنظامی بکار می‌روند اعمال می‌شود. به طور خلاصه: - حمله به غیرنظامیان ممنوع است. - حمله به اشیاء غیرنظامی (خانه‌ها، بیمارستان‌ها، مدارس، اماکن زیارتی، ابنیه فرهنگی یا تاریخی، غیره) ممنوع است. - استفاده از سلاح‌هایی که غیرنظامیان یا اشیاء غیرنظامی را از اهداف نظامی تمیز نمی‌دهند ممنوع است.
- تناسب: به معنای ربط داشتن از نظر اندازه و مقدار با چیز دیگری است. در حقوق داخلی، اصل تناسب معمولاً به این مفهوم دلالت می‌کند که مجازات یک جرم خاص باید با شدت آن جرم متناسب باشد. اصل تناسب بیان می‌کند که حتی در صورت وجود یک هدف واضح نظامی، این هدف تنها در صورتی می‌تواند مورد حمله قرار گیرد که خطر آسیب دیدن غیرنظامیان یا اموال غیرنظامی، یا خطر کشته شدن غیرنظامیان، به نسبت برتری نظامی مورد انتظار بیش از اندازه نباشد. شمار کشته شدگان و زخمیان در میان غیرنظامیان و آسیب وارده به اشیاء غیرنظامی نباید به نسبت برتری نظامی مورد انتظار بیش از اندازه باشد.
- احتیاط: فرض اساسی در اصل احتیاط آن است که باید برای حمایت از جمعیت غیرنظامی و اشیاء غیرنظامی مراقبت همیشگی توسط تمامی آنهایی که در برنامه ریزی و اجرای حملات شرکت دارند انجام گردد. به عبارت دیگر، این اصل بیان می‌کند که احتیاط‌های لازم برای انطباق با اصول تفکیک و تناسب باید انجام شود. اصل احتیاط مستلزم آن است که هنگامی که برای حمله به اهداف نظامی که می‌تواند به غیرنظامیان آسیب رساند برنامه ریزی کردند (توسط بلندگو، از رادیو، با استفاده از علائمی که به سادگی قابل درک هستند، از طریق ریختن بروشورها، و غیره) به غیرنظامیان پیش‌تر اخطار داده شود، مگر شرایط تاکتیکی اجازه چنین کاری را ندهد. همچنین اصل احتیاط به انتخاب سلاح‌ها و تاکتیک‌ها نیز مربوط است. اگر فرماندهی بخواهد یک ساختمان نظامی در مجاورت یک زمین فوتبال را نابود کندف انجام این کار در شب هنگام که به احتمال زیاد هیچ غیرنظامی در آنجا در حال بازی فوتبال نیستند یک احتیاط به جا خواهد بود.

۲- تعریف سلاح شیمیایی

هیچ ماده‌ای به خودی خود ماده تهاجمی شیمیایی نیست، ولی زمانی چنین نامیده می‌شود که جهت اهداف مشخص ایجاد ضرر و خسارت، مورد بهره‌برداری قرار گیرد. کلیه مواد گازی شکل، مایع و جامدی که در عملیات جنگی بکار گرفته می‌شوند

شوند و هدف از استفاده از آنها ایجاد ضرر و مرگ انسان، حیوان یا گیاه باشد، ماده تهاجمی شیمیایی است. (۵) وسایل کاربرد این مواد را سلاح شیمیایی می نامند. در واقع جنگ افزارهای شیمیایی ابزارها یا موادی هستند که به وسیله آن‌ها انسان‌ها یا موجودات زنده را هدف قرار می دهند. در اثر تماس مستقیم این مواد با هر قسمت از بدن جاندار، بدن وی آلوده شده و جاندار به انواع بیماری‌های عمومی یا انحصاری آن ماده مبتلا می شود. (۶) سلاح‌های شیمیایی می توانند به افراد، حیوانات، گیاهان، تجهیزات نظامی و وسایل کنترل صدمه بزنند یا آنها را نابود کنند. این سلاح‌ها در محیط، ابری از مواد آلوده ایجاد می کنند. تاثیر سریع سموم سلاح‌های شیمیایی و مقدار اندکی که برای از پای در آوردن هدف مورد نیاز است، از خصوصیات عمده این سلاح هاست. (۷) به عبارت دیگر امروزه با توجه به پیشرفت قابل ملاحظه علم شیمی، عناصر شیمیایی جنگی شامل هرگونه موادی است که به سبب آثار سمی که بر روی انسان، حیوان و گیاه دارد مورد استفاده قرار می گیرد و هدفش نابودی یا بیماری انسان، حیوان یا گیاه است. در زمره عناصر شیمیایی می توان از گازهای سمی ضد اعصاب، گازهای خفقان آور، گازهای اشک آور و گازهای روان شیمیایی نام برد.

۳- قواعد حاکم بر منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی

اصل جرم انگاری استفاده از سلاح‌های شیمیایی در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی مسئله ای نیست که به تازگی مورد توجه قرار گرفته باشد، بلکه از همان بدو شکلگیری قواعد نوین و موخر حاکم بر مخاصمات مسلحانه مورد بررسی و توجه بوده است. با این حال هنوز در جامعه جهانی در این خصوص اتفاق نظر وجود ندارد. لذا چنین منعی می تواند در حقوق بین‌الملل عرفی شاهدهی در نظرات حقوقدانان و اعمال دولت‌ها و یا در حقوق بین‌الملل معاهداتی وجود داشته باشد مخصوصاً در جایی که معاهده ای بصورت گسترده تصویب شده است و استفاده از سلاح‌های خاصی را ممنوع می کند. در این بخش از پژوهش قواعد حاکم را در قالب معاهدات و اسناد مرتبط مورد بررسی قرار خواهیم داد و برای درک بهتر موضوع، قائل به تفکیکی تاریخی شده ایم و پس از آن موضوع را در قالب نقش سازمان ملل متحد و رویه واقعی دولتها مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۱-۳- اسناد پیش از پروتکل ۱۹۲۵

به جرأت می توان گفت سلاح‌های شیمیایی تنها سلاح‌های جنگی هستند که بیشترین و قدیمی ترین معاهدات بین‌المللی برای منع کاربرد آن وجود دارد. به دلیل ماهیت غیرانسانی و وحشیانه این گونه سلاح‌ها، از سالها پیش که از سلاح‌های شیمیایی در شکل ابتدایی آن و در جنگ‌ها استفاده می شد، موافقتنامه های مختلفی (در قالب های گوناگون اعم از معاهده و اعلامیه و...) برای ممنوع ساختن آن شکل گرفت. این توافقات به ترتیب تاریخ عبارت اند از:

- موافقتنامه ۱۶۷۵ استراسبورگ میان فرانسه و آلمان در خصوص محدودسازی استفاده از سلاح‌های شیمیایی و ممنوعیت کاربرد گلوله‌های سمی.
- اعلامیه ۱۸۶۸ سن پترزبورگ که به موجب آن شیوه های جنگ غیرانسانی محکوم شد.
- اعلامیه نهایی کنفرانس ۱۸۷۴ بروکسل که استعمال سم و سلاح های سمی را بطور کلی ممنوع اعلام کرد.
- اعلامیه شماره ۲ و شماره ۴ کنفرانس ۱۸۹۹ لاهه که در آن استفاده از سلاح های پرتاب کننده به منظور حمل و پخش گازهای خفقان آور و زیان بار منع شده است.
- عهدنامه شماره ۴ لاهه مورخ ۱۹۰۷ که متضمن مفاد مذکور است.
- معاهده صلح پاریس مورخ ۱۹۱۹-۱۹۲۰: تجربه جنگ جهانی اول که در طول آن گازهای سمی مورد استفاده قرار گرفت و موجب تلفات فراوانی شد، بالاخره به پیش بینی مقررات منع کننده ای در معاهدات صلح پاریس منجر شد. طبق مقررات مذکور استعمال گاز خفقان آور و سمی یا مشابه آن‌ها، همچنین استعمال هر گونه مایعات، مواد یا

وسایل مشابه و نیز شعله افکن ممنوع است. البته ممنوعیت مذکور در واقع فقط برای کشورهای مغلوب در جنگ (آلمان، اتریش، بلغارستان و مجارستان) بود.

- معاهده ۱۶ فوریه ۱۹۲۲: پنج قدرت فاتح جنگ جهانی اول، در سال ۱۹۲۲ در واشنگتن معاهده ای در زمینه استفاده از زیردریایی ها و گازهای مهلک در جنگ را به امضا رسانیدند. به موجب ماده ۵ آن، استعمال گاز خفکان آور، سمی یا مشابه آنها و نیز هرگونه مایعات، مواد یا شیوه های مشابهی که از سوی افکار عمومی جهان متمدن محکوم شده، ممنوع است. این معاهده به دلیل عدم تصویب از سوی کشورهای امضاء کننده، هرگز به مرحله اجراء نیامد، اما همواره به عنوان عامل حجیت وجود عرف بین المللی در زمینه ممنوعیت استعمال گازها باقی ماند.

۲-۳- اسناد پروتکل ۱۹۲۵

مهمترین سند بین المللی در زمینه منع استعمال سلاح های شیمیایی، پروتکل ۱۷ ژوئن ۱۹۲۵ است که از سال ۱۹۲۸ به مرحله اجرا درآمد. مفاد این پروتکل که در واقع یک معاهده بین المللی مستقل می باشد، تقریباً همان مقررات معاهده ۱۹۲۲ واشنگتن است. محور اصلی و اساسی پروتکل ژنو، ممنوعیت استعمال گازهای خفکان آور، سمی یا مشابه آنها و نیز کلیه مایعات، مواد یا شیوه های مشابه در زمان جنگ و نیز طرق جنگ میکروبی است. این پروتکل که در ابتدا تنها به امضاء ۳۸ کشور رسیده بود، تا به امروز از تصویب بیش از ۱۴۰ کشور گذشته است. ایالات متحده آمریکا که طی سالها از تصویب آن خودداری می کرد بالاخره پس از پنج سال بحث و گفتگو در ۲۲ ژانویه ۱۹۷۵ آن را تصویب کرد. البته با این شرط که حق اقدام تلافی جویانه و مقابله به مثل را را برای خود محفوظ دارد. تقریباً نیمی از کشورهای عضو پروتکل در آن حق شرط قائل شده اند. پروتکل مزبور یک سند حقوقی بنیادین است، زیرا تا به امروز هیچ معاهده دیگری در زمینه سلاح های شیمیایی وجود ندارد. با این وجود به این سند انتقادات زیر وارد است:

- تعدادی از کشورها هنوز به آن ملحق نشده اند.
- همانگونه که گذشت تعداد زیادی از کشورها آن را با حق شرط پذیرفته اند.
- در خصوص اینکه آیا قواعد اصولی مقرر در آن تجلی حقوق عرفی است یا خیر و مقصود از واژه گاز چیست و بالاخره اینکه آیا کاربری سلاح های ممنوعه فقط در حالت مخاصمات که با یک جنگ به معنای حقوقی کلمه منطبق نمی باشد، مشروع و مجاز است اختلاف نظر وجود دارد.
- یک سیستم نظارت و بازرسی بر اجرا و نقض پروتکل پیش بینی نشده است (در حالی که شوروی سابق موافق با واگذاری مسئولیت کنترل و بازرسی به مقامات داخلی بود، ایالات متحده آمریکا بر ضرورت بازرسی بین المللی در محل تاکید می ورزد به نحوی که بتوان نسبت به انهدام یا تبدیل آنها به مواد غیر جنگی اقدام کرد).
- ممنوعیت مقرر در پروتکل تنها در مورد سلاح های شیمیایی و میکروبی بوده و در خصوص تولید، انباشت، توسعه و تکمیل مواد شیمیایی و تعیین حدود آنها سخنی به میان نیاورده است. البته بدیهی است که تولید مواد شیمیایی به میزان محدود و جهت اهداف مسالمت آمیز مجاز است.
- کشورها در خصوص اینکه پروتکل شامل گازهای اشک آور و نظایر آن و همچنین مواد ضد گیاهان شود یا نه، اختلاف نظر شدیدی دارند.

قطعه نامه فوق الذکر به دفعات مورد تایید قرار گرفته است؛ در قطعه نامه کنفرانس عمومی خلع سلاح ۲۳ ژوئیه ۱۹۳۲، در قطعه نامه های شورا و مجمع جامعه ملل در ۱۴ می و ۳۰ سپتامبر ۱۹۳۸، در اساسنامه دادگاه بین المللی نورنبرگ مورخ ۱۹۴۶ که به موجب ماده ۶ آن استفاده از سم و سلاح های سمی به عنوان جنایت جنگی تلقی می شود.

۳-۳- نقش و جایگاه سازمان ملل متحد در منع و کاهش استفاده از سلاح های شیمیایی

سازمان ملل متحد به عنوان متولی اصلی ایجاد و برقراری صلح در سطح بین‌المللی، مهم‌ترین نقش را در کاهش استفاده از سلاح‌های شیمیایی و آثار زیان‌بار آن دارد. لذا ضروری است تا به‌طور فعالانه در این خصوص ایفای نقش و ایجاد مقررات و قاعده کند. یعنی در قالب اراده‌ای که از جانب تمام کشورها وجود دارد به ایجاد معاهداتی دست بزند که قاعده سازی در این خصوص نموده و جامعه جهانی را متعهد و مکلف به رعایت نماید. در هر حال این نهاد مادر به عنوان مهمترین سازمان بین‌المللی بین‌الدولی در سکوت ننشسته و اقدامات شایان توجهی انجام داده است، که عبارت اند از:

- قطعنامه شماره ۲۱۶۲ مورخ ۵ دسامبر ۱۹۶۶ در بیست و یکمین اجلاس مجمع عمومی مبنی بر دعوت از کلیه کشورهای عضو به رعایت پروتکل ۱۹۲۵ ژنو.
- قطعنامه شماره ۲۶۰۳ مصوب بیست و چهارمین اجلاس مجمع عمومی در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۹. به موجب قطعنامه مذکور، پروتکل ژنو متضمن مقررات بطور کلی شناخته شده قوانین بین‌المللی در مورد ممنوعیت استفاده از تمام روشهای بیولوژیکی و شیمیایی جنگی در درگیریهایی بین‌المللی، بدون توجه به توسعه های تکنیکی بوده و استفاده از هرگونه عامل خطر زا بر انسان و حیوان گیاه مخالف با مقررات است.
- موضوع سلاح های شیمیایی از سال ۱۹۷۱ تا کنون هر ساله چه در مذاکرات خلع سلاح و چه در مجمع عمومی مطرح و مورد بحث و گفتگوی بسیار قرار گرفته است و در اکثر موارد، صرف نظر از محکومیت کاربرد چنین سلاح هایی در مخاصمات مسلحانه، بر لزوم رعایت مفاد پروتکل ۱۹۲۵ تاکید شده است.

در سال ۱۹۸۴، در پاسخ به درخواست جمهوری اسلامی در موضوع استفاده عراق از سلاح های شیمیایی، دبیرکل از چهار متخصص برجسته خواست که وظیفه بازرسی را به عهده گیرند و میزان مواد بکار رفته را روشن کنند. این متخصصی ۶ روز در ایران بودند (از ۱۳ تا ۱۹ مارس ۱۹۸۴) و گزارش دادند که سلاح های شیمیایی از طریق بمباران هوایی بکار رفته است. در همان سال شورای امنیت گزارش متخصصین را بررسی کرده و استفاده از سلاح های شیمیایی را شدیداً محکوم و همچنین بر لزوم رعایت مفاد پروتکل ۱۹۲۵ ژنو تاکید کرد. (۷) همچنین شورای امنیت سازمان ملل متحد بر اساس گزارش ماموران اعزامی برای بازرسی، در قطعنامه ۶۱۲ (مورخ ۹ می ۱۹۸۸) سکوت خود را درباره استفاده عراق از سلاح های شیمیایی شکست و با تصویب یک قطعنامه بی اثر، از کاربرد سلاح های شیمیایی ابراز تاسف کرد. در این قطعنامه بدون نام بردن از عراق تنها کاربرد سلاح های شیمیایی محکوم شده است. این قطعنامه شورای امنیت، بر لزوم رعایت مقررات پروتکل ۱۷ ژوئن ۱۹۲۵ ژنو تاکید و استفاده از سلاح شیمیایی را در جنگ عراق علیه ایران محکوم کرده و از دول جهان خواسته است که از ارسال تجهیزات و مواد مربوط به سلاح های شیمیایی به منطقه خودداری کنند. (۷) دولت جمهوری اسلامی ایران در اجلاس کمیته ششم مجمع عمومی (کمیته حقوقی) سازمان ملل متحد (۱۹۸۷)، پیشنهاد کرده است که استفاده از سلاح های شیمیایی به عنوان یکی از موارد جنایات جنگی علیه صلح و امنیت بشری ثبت شود. (۷) بالاخره مجمع عمومی در تاریخ ۳۰ نوامبر ۱۹۹۲ عهدنامه منع تولید، توسعه، تملک، ذخیره سازی، امانت گذاری و استفاده از هر نوع سلاح شیمیایی را تصویب کرد.

۳-۴- منع استفاده از سلاح های شیمیایی در رویه دولتها

منع استفاده از سلاح شیمیایی قطع به یقین مصداق بارز از نمونه های قواعد امره است، کماینکه استفاده از این سلاح ها منجر به کشتار دسته جمعی و گاهاً ظرفیت این را دارد که منجر به نسل کشی شود. همانگونه که میدانیم بستر شکل گیری و ایجاد یک قاعده امره در زمان متضمن ارزیابی آثار زیانباری است که برای بشر به جا میگذارد، لذا نوع استفاده از پیشرفت های علمی در زمینه تسلیحات و شیمی که آثار زیانبار آن غیر قابل انکار است به راحتی در چارچوب قاعده امره قرار میگیرد. نکته حائز اهمیت در اینجا این است که یکی از ویژگی های خاص قاعده امره محتوای منع کننده آن است. شاید به جرات بتوان

گفت که رویه دولتها از تمام اسناد و اقدامات نهادی که در سطح بین‌المللی انجام شده است مهمتر می باشد. تا سال ۱۹۱۴ استفاده از سلاح شیمیایی توسط متخصصان در موارد محدود و به تناوب صورت می گرفت. با شروع جنگ جهانی اول استفاده از سلاح شیمیایی جنبه فراگیر و منظم پیدا کرد. آلمان اولین کشوری بود که در سال ۱۹۱۵ سلاح شیمیایی را بکار برد. آلمانی ها با ساختن گاز کلورین آنها را با فشار در سیلندرهایی جا دادند تا در زمانی که باد مساعد می وزد آنها را در مقابل سنگر های دشمن قرار دهند. آلمانی ها این گاز را که به گاز خردل معروف شده است، در پی یر علیه سربازان مستعمراتی فرانسه و پیاده نظام کانادا که هیچگونه ماسکی برای حفاظت از خود نداشتند به کار بردند. در نتیجه سربازان به حال تشنج افتادند و برخی گریختند و شکافی به طول ۸ کیلومتر در جبهه ایجاد شد که آلمانها به درون آن رخنه کردند، ولی دو روز بعد که قصد داشتند با کاربرد گاز خردل به پیشروی تازه ای پردازند، با سربازان ماسک داری که حوله خیس به دست داشتند و ملحفه های مرطوب به خود پیچیده بودند، روبرو شدند و گاز تنها ۲۵ درصد سپاهیان حریف را از کار بازداشت. (۷) پس از پایان جنگ جهانی اول، این کشورها از سلاح شیمیایی علیه دشمن استفاده نمودند:

- ایتالیا در جریان نبرد ایتوبی (۱۹۳۵-۱۹۳۶) علیه سربازان ایتوبیایی. در این مورد شورای جامعه ملل در ۲۰ آوریل ۱۹۳۶ تنها به یک اعتراض بی اثر و بیهوده به ایتالیا بسنده کرد.
- جمهوری خواهان اسپانیا به یاری اتحاد شوروی سابق در ۱۹۳۶ در طول جنگ های داخلی علیه افراد غیرنظامی اسپانیایی.
- ژاپن علیه سربازان چینی در ۱۹۳۸.

در طول جنگ جهانی دوم، علی رغم اینکه کلیه متخصصان اصلی چون آلمان، ژاپن، ایتالیا، آمریکا، شوروی سابق، فرانسه و انگلیس دارای زرادخانه های سلاح های شیمیایی بودند، اما به دلایل ناشناخته، شاید ترس از اقدامات مقابله به مثل، حتی یک مورد از آنها استفاده نکردند.

اولین جنگی که پس از جنگ جهانی اول در آن از سلاح شیمیایی استفاده گردید، جنگ ویتنام در بین سالهای ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۹ بود که در آن ابتدا ایالات متحده آمریکا و بدنال آن ویت کنگ ها اقدام به استفاده از سلاح های شیمیایی علیه یکدیگر نمودند، تا اینکه ممنوعیت آن در ۱۴ فوریه ۱۹۷۰ توسط آمریکا اعلام شد. پس از جنگ ویتنام و کاربرد سلاح های شیمیایی توسط آمریکا، عراق در جنگ علیه ایران بارها از سلاح های شیمیایی علیه نظامیان و غیرنظامیان استفاده کرد. نمونه بارز آن بمباران شیمیایی حلبچه در مارس ۱۹۸۸ است.

۴- مسئولیت دولت های استفاده کننده از سلاح شیمیایی

۴-۱- انتساب عمل خلاف تعهدات بین‌المللی به دولت

به موجب ماده ۲ طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل درباره مسئولیت بین‌المللی دولت ها ۲۰۰۱، یکی از شرایط اساسی مسئولیت بین‌المللی دولت آن است که رفتار مورد بحث به موجب حقوق بین‌الملل به آن دولت قابل انتساب باشد. در تئوری، رفتار تمامی افراد انسانی، شرکت ها یا نهادهای مرتبط با یک دولت از طریق تابعیت، اقامتگاه عادی یا تشکیل شرکت قابل انتساب به دولت است، خواه آنها به آن دولت ارتباط داشته باشد یا خیر. در حقوق بین‌الملل نیز به دلیل محدود کردن مسئولیت به رفتاری که دولت را به عنوان یک سازمان درگیر می کند و هم به منظور به رسمیت شناختن استقلال اشخاصی که از طرف خویش عمل می کنند و نه به تحریک یک مقام عمومی، از چنین رویکردی احتراز شده است. از این رو قاعده کلی این است که تنها رفتار قابل انتساب به دولت در سطح بین‌المللی، رفتار ارگان دولت یا رفتار اشخاصی است که تحت هدایت، تحریک یا کنترل آن ارگان یعنی ماموران دولتی عمل کرده اند. (۸) انتساب رفتاری به دولت به عنوان تابع حقوق بین‌الملل بر اساس معیار

تعیین شده به موجب حقوق بین‌الملل صورت می‌گیرد و نه به صرف احراز وجود رابطه سببیت موضوعی. به عنوان یک عمل قانونی، باید اشکارا میان انتساب و توصیف یک رفتار به عنوان رفتاری متخلفانه تمایز قائل شویم. بحث ما در انتساب این است که دولتی عملی را مرتکب شده که مسئولیت وی را در پی دارد. برای انتساب آن عمل به دولت نیازی نیست که از قانونی یا غیرقانونی بودن آن عمل سخن گفته شود و قواعد مربوط به انتساب نباید به گونه‌ای تنظیم شوند که بر چیز دیگری دلالت کنند. اما قواعد مربوط به انتساب یک تاثیر مجموعی دارند؛ بدین معنی که یک دولت ممکن است مسئول آثار و نتایج رفتار اشخاص خصوصی قلمداد شود در صورتی که در اتخاذ تدابیر لازم برای پیشگیری از آن رفتارها قصور کرده باشد. در این رابطه همیشه میان مبنای انتساب و تعهد خاصی که نقض شده است رابطه نزدیکی وجود دارد هرچند این دو عنصر از نظر تحلیلی از یکدیگر متمایزند. (۹) اصولاً مسئولیت دولت هنگامی مطرح می‌شود که رفتاری مغایر با تعهدات بین‌المللی خویش داشته باشد صرف نظر از اینکه آن رفتار در چه سطحی از دولت یا حکومت ارتکاب یافته باشد. همچنین رفتار ارگان یک دولت که خارج از حدود اختیاراتش ارتکاب یافته است نیز به موجب حقوق بین‌الملل قابل انتساب به آن دولت است فارغ از اینکه آن ارگان از نظر حقوق داخلی چه موقعیتی داشته باشد. بند ۱ ماده ۴ نخستین اصل انتساب مسئولیت به دولت در حقوق بین‌الملل را بیان می‌کند و آن این است که رفتار ارگان دولتی به آن دولت قابل انتساب است. اشاره به "ارگان دولتی" تمامی موجودیت‌های جمعی یا فردی را که ساختار دولت را تشکیل داده و از طرف آن عمل می‌کنند در بر می‌گیرد. این موضوع در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری نیز با لحن قاطع تایید شده است، دیوان در قضیه اختلاف راجع به مصونیت گزارشگر ویژه حقوق بشر اظهار داشت: "بر اساس قواعد پذیرفته شده حقوق بین‌الملل، رفتار هر ارگان دولت باید رفتار آن دولت تلقی شود. این قاعده ماهیتی عرفی دارد." (۱۰) این موضوع سابقاً در دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی نیز مورد تایید قرار گرفته است. نهاد مزبور در قضیه برخی منافع آلمانی در سیلزیای علیه لهستان اینگونه بیان داشته که: "از نقطه نظر حقوق بین‌الملل و دیوان به عنوان یکی از ارکان آن، قوانین داخلی همچون تصمیمات قانونی یا تدابیر اداری بیانگر اراده دولت‌ها و مبنای فعالیت آنهاست." (۱۱) بنابراین ماده ۴ طرح فوق‌الذکر، کلیه ارگانهای دولتی را در بر می‌گیرد فارغ از اینکه آن ارگان‌ها، کارکرد یا اشتغالات قضایی اجرایی یا تقنینی یا غیر آن داشته باشند. موضوع انتساب رفتار به دولت برای استقرار مسئولیت بین‌المللی مصادیق دیگری نیز دارد که با توجه به موضوع این پژوهش امکان ضعیفی برای استناد دارد. زیرا استفاده از سلاح‌های شیمیایی در مخاصمات مسلحانه قاعداً نمی‌تواند توسط اشخاص یا نهادهایی اعمال شود که که عناصری از اقتدارات دولتی را اعمال می‌کنند، مثل نهادهای شبه دولتی (موضوع ماده ۵)، و یا استفاده از سلاح شیمیایی در هر شکل تخلف و نقض تعهد بین‌المللی مبنی بر استقرار صلح و اصل تفکیک در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی است و موضوع تجاوز از حدود اختیارات عملاً قابل طرح نمی‌باشد (موضوع ماده ۷)، همچنین موضوع این پژوهش از مسائلی است که قطع به یقین با هدایت و تصویب دولت است و بیان موضوع ماده ۸ تاکید اضافی و سبب اطاله بحث می‌شود. در هر حال آنچه که در این پژوهش حائز اهمیت است، این موضوع می‌باشد که استفاده از سلاح شیمیایی توسط ارتش یک کشور در مخاصمات مسلحانه بوضوح منتسب به دولت متبوع آن ارتش می‌باشد.

۲-۴- نقض یک تعهد بین‌المللی

هنگامی نقض تعهد بین‌المللی صورت گرفته است که فعل منتسب به دولت به عنوان تابع حقوق بین‌الملل به قصور آن دولت در رعایت تعهدات بین‌المللی اش بیانجامد یا به زبان بند "ب" ماده ۲ هنگامی که چنین رفتاری نقض تعهد بین‌المللی آن دولت باشد. در طرح مفهوم نقض تعهد بین‌المللی مجدداً ضروری است که بر استقلال حقوق بین‌الملل مطابق اصل مذکور در ماده ۳ تاکید شود. مطابق ماده ۱۲، نقض تعهد بین‌المللی متشکل از مغایرت میان رفتار واقعی آن دولت و رفتاری است که او به موجب آن تعهد باید انجام داد. یعنی مغایرت میان الزامات حقوق بین‌الملل و حقایق موضوع. این مطلب را به صور گوناگون

بیتوان بیان کرد. به عنوان مثال دیوان بین‌المللی دادگستری عباراتی همچون "مغایرت با تعهدات یک دولت" (۱۲) و "اعمال مغایر یا ناسازگار با یک قاعده معین" (۱۳) یا قصور در رعایت تعهدات معاهداتی را بکار برده است. (۱۴) در قضیه ELSI شعبه دیوان این سوال را طرح کرد که آیا مصادره با الزامات ناشی از معاهده مودت، بازرگانی و دریانوردی سازگار است یا خیر. (۱۵) عبارت منطبق با آنچه که تعهد مقرر می‌کند نباشد مناسب‌ترین عبارت برای آن چیزی است که ماهیت نقض تعهد بین‌الملل توسط دولت را تشکیل می‌دهد. ماده ۱۲ اشعار می‌دارد که نقض تعهد بین‌المللی هنگامی محقق می‌شود که فعل مورد بحث آن گونه که آن تعهد مقرر می‌کند نباشد "فارغ از اینکه منشا یا ماهیت آن تعهد چیست". همانطوری که عبارت اخیر نشان می‌دهد، مواد حاضر بطور کلی اعمال می‌شوند. آنها بر تمامی تعهدات بین‌المللی دولت‌ها فارغ از منشاشان اعمال می‌شوند. تعهدات بین‌المللی ممکن است ناشی از یک قاعده حقوق بین‌الملل عرفی، معاهده یا اصل کلی قابل اعمال در نظم حقوقی بین‌المللی باشند. دولت‌ها ممکن است از طریق عملی یکجانبه یک سری تعهدات بین‌المللی را بپذیرند، چنانچه طی عملی یکجانبه متعهدا شد که دیگر به آزمایش‌های هسته‌ای اتمسفری در منطقه اقیانوس آرام مبادرت نکنند. تعهد بین‌المللی ممکن است از مقررات یک معاهده ناشی شود لذا مسئولیت یک دولت با نقض یک تعهد بین‌المللی ایجاد می‌شود و در این رابطه اینکه منشا و ماهیت آن تعهد چیست اهمیتی ندارد. بدین ترتیب مطابق ماده ۱۲ منشا یا خاستگاه یک تعهد بر اینکه مسئولیت از نقض آن تعهد توسط یک دولت ایجاد شود و بر رژیم مسئولیت دولت که از این رهگذر مطرح شود تاثیر نمی‌گذارد. تعهدات دولت ممکن است از یک معاهده یا قاعده حقوق بین‌الملل عرفی یا یک عمل یکجانبه ناشی شود. (۱۶) بعلاوه همانطور که رویه نشان می‌دهد این منابع گوناگون تعهد با یکدیگر تعامل دارند. معاهدات می‌توانند به شکلگیری حقوق عام کمک کنند و حقوق عرفی می‌توانند در تفسیر معاهدات راهگشا باشد. از این رو محاکم و دیوان‌های بین‌المللی، مسئولیت دولت را ناشی از هرگونه نقض تعهد دانسته‌اند که به موجب یک استاندارد حقوقی بین‌المللی برای او لازم الاجراست. در داوری قضیه Rainbow Warrior دیوان داوری اظهار داشت که هرگونه نقض تعهد با هر منشایی توسط دولت به مسئولیت آن دولت و در نتیجه به تعهد به جبران خسارت می‌انجامد. در قضیه Gabcikovo Nagymaros Project دیوان بین‌المللی دادگستری در تایید این گفته به ماده مربوط در پیش نویس مواد راجع به مسئولیت بین‌المللی که در سال ۱۹۷۶ موقتاً توسط کمیسیون اتخاذ شده بود اشاره کرد و اظهار داشت این یک اصل پذیرفته شده است که هنگامی که دولتی یک فعل متخلفانه بین‌المللی را مرتکب می‌شود احتمالاً مسئولیت بین‌المللی او مطرح می‌شود فارغ از اینکه ماهیت تعهدی که او در اجرای آن قصور کرده است چه باشد. (۱۴)

۵- ضمانت اجرای مسئولیت دولت‌ها در کاربرد سلاح‌های شیمیایی

تحقق ضمانت اجرا در هر نظام حقوقی، منوط به ایجاد دو عنصر است: ۱- عنصر قانونی که همان تدابیر پیش‌بینی شده در متن قانون و نظام حقوقی است که در قبال نقض مقررات حقوقی در نظر گرفته می‌شود. ۲- قدرت اجرایی برتر بر نیروهای جامعه (اعم از جامعه داخلی یا بین‌المللی). برای تضمین اجرای حقوق، نیاز به قدرتی است که در سطح کل جامعه توان برخورد با هر قدرت متمریدی را داشته باشد و بتواند مجازات‌های پیش‌بینی شده را جامعه عمل بپوشاند. (۱۷)

ضمانت اجرای مدنی: امروزه در حقوق بین‌الملل، اصل بر ضمانت اجرای مدنی است (اقدامات ترمیمی) تا کیفری. به طور کلی ضمانت اجرای مدنی می‌تواند بدون آن که نیاز به قید آن در قواعد حقوقی باشد در رابطه با نقض هر قاعده حقوق بین‌الملل حادث گردد. البته ضمانت اجرای کیفری ممکن است ضمانت اجرای مدنی را نیز به دنبال داشته باشد. اعمال این نوع ضمانت اجراء یا به صورت تکلیف کشور متخلف به اعاده وضع به حالت اولیه یا پرداخت غرامت به کشور قربانی نقض مقررات حقوق بین‌الملل تجلی می‌یابد. در این موضوع مورد بحث ضمانت‌های مدنی به واقع پرداخت غرامت مناسب به خانواده‌های قربانیان و تعهد حقوقی به عدم تکرار است که در ادامه تعهد به عدم تکرار، ضمانت اجرا تحریم اقتصادی است.

بنابراین کشور استفاده کننده از سلاح های شیمیایی می بایست علاوه بر پرداخت غرامت به خانواده ها و بازماندگان حملات شیمیایی، شرایطی را برای درمان آنها به بهترین نحو محیا نماید و حتی ملزم به پرداخت خسارتی باشد که به سبب کاربرد سلاح های شیمیایی به محیط زیست وارد شده است.

ضمانت اجرای اخلاقی - این نوع ضمانت اجراء همان ارضای خاطره کشور قربانی نقض مقررات حقوق بین الملل است؛ به طور مثال به وسیله ی اظهار تأسف یا معذرت خواهی کشور متخلف در قبال کشور قربانی.

ضمانت اجرای اقتصادی - شامل محاصره اقتصادی یا تحریم ورود برخی از کالاهای کشور متخلف به سایر کشورها و یا تحریم صدور برخی از کالاهای سایر کشورها به آن کشور است. تحریم های اقتصادی اقداماتی محسوب می گردند که در صدد تاثیرگذاری بر رفتار کشور از طریق تهدید و در صورت ضرورت تحمیل مجازات به منظور رعایت قواعد و مقررات حقوقی می باشند. (۱۸) در موضوع مسئولیت کشور استفاده کننده از سلاح های شیمیایی علاوه بر تحریم اقتصادی پس از تکرار یا پافشاری بر تکرار، شاید مناسب باشد تا از صادرات کالاها و موادی که در ساخت سلاح های شیمیایی نیز کاربرد دارد اجتناب گردد و کور خاطی تا مدتها در زمینه آن کالاها تحریم باشد.

ضمانت اجرای دیپلماتیک - قطع یا کاهش روابط دیپلماتیک و کنسولی، احضار مأموران دیپلماتیک و کنسولی و بالاخره لغو روانامه کنسولی کشور متخلف از سوی کشور یا کشورهای پذیرنده، نیز از نوع این ضمانت اجراها می باشد. به هنگام استفاده از سلاح های شیمیایی سایر کشورها می بایست از این ضمانت اجرا استفاده کنند تا خشم و مخالفت خود را به عنوان عضو از جامعه بین المللی اعلام دارند.

ضمانت اجرای سیاسی - ضمانت اجرای سیاسی که فاقد هر گونه خصیصه حقوقی می باشد. می تواند شامل منتشر نمودن اسناد و مدارک حاکی از نقض حقوق بین الملل، به ویژه از ناحیه کشور قربانی نقض و همچنین اعتراض رسمی کشورها، به ویژه کشور قربانی نقض در مورد تخلف از مقررات حقوق بین الملل باشد.

فکار عمومی جهانی - جلب توجه افکار عمومی جهانی در برابر نقض مقررات حقوق بین الملل و تأثیر آن در عملکرد کشورها یکی از عواملی است که می تواند به عنوان یکی از ضمانت اجراهای مهم حقوق بین الملل به شمار آید. چرا که، امروزه افکار عمومی در سطح جهان از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. از سوی دیگر دولتها نمی خواهند در سطح جهان خود را بی اعتنا به حقوق بین الملل جلوه دهند و این خود نشان دهنده ی اهمیت افکار عمومی است. از طرفی «بیداری و آگاهی فزاینده ملت ها به تاریخ»، مایه ظهور وجدان همگانی بشریت و تشکیل عامل نو پدیده «افکار عمومی جهانی» در روابط بین المللی شده است. ظلم، نابرابری، تجاوز، عهدشکنی و زورگویی و لشکر کشی توسط افکار عمومی محکوم می گردد و جامعه بشری اکنون از برکت این وجدان، تجاوز و زورگویی را به آسانی از یاد نمی برد و روا نمی دارد که عاملان آن ها بی کیفر باقی بمانند. بنابراین هر حکومتی سعی دارد تا حد امکان از حمایت افکار عمومی در سطح جهان برخوردار باشد.

ضمانت اجرا در منشور ملل متحد: در فصل هفتم منشور به خصوص مواد ۴۱ و ۴۲ به این مقوله پرداخته شده است. در ماده ۴۱ آمده است: شورای امنیت برای عملی ساختن تصمیمات خود می تواند تصمیم به اقداماتی که مستلزم به کار گرفتن قوای مسلح نمی باشد بگیرد و اعضای ملل متحد را دعوت نماید که آن اقدامات را به موقع عمل گذارند. اقدامات مزبور ممکن است متضمن قطع تمام یا قسمتی از روابط اقتصادی و یا ارتباط راه آهن، بحری، هوایی، پستی، تلگرافی و سایر وسایل ارتباطی و همچنین قطع روابط سیاسی باشد. همچنین ماده ۴۲ می گوید: هرگاه شورای امنیت تشخیص دهد که اقدامات پیش بینی شده در ماده ۴۱ ممکن است نامتناسب بوده و یا در عمل غیرمتناسب بودن آن معلوم گردد می تواند بوسیله قوای هوایی یا دریائی و یا زمینی عملیاتی را که برای حفظ یا برقراری صلح و امنیت بین الملل لازم بداند انجام دهد. این عملیات ممکن است شامل

مانورهای نظامی و محاصره و سایر عملیات نیروهای هوایی دریائی یا زمینی اعضای ملل متحد انجام می‌گیرد، باشد. (۱۹) که البته با توجه به موضوع مورد بحث ما این ضمانت اجرا در این مقوله اجرایی و مناسب نیست.

با این حال باید گفت تصمیمات ارکانی مانند شورا و مجمع عمومی سازمان ملل متحد جنبه سیاسی دارد، لذا با منافع کشورهای بزرگ مرتبط است و همان طور که در عمل دیده شده چنانچه علیه کشوری تعصب داشته باشند ممکن است از اقدام خودداری کنند. (۲۰) جامعه بین الملل تنها جامعه بشری است که عملاً از یک نهاد اجرایی و قضایی محروم است. عدم برخورداری از یک نهاد سازمان یافته و روش‌های حقوقی لازم موجب شده است که حقوق بین الملل نتواند خود را با تحولات جامعه بین الملل و نیازهای آن وفق دهد و این باعث ضعف حقوق بین الملل می‌باشد. (۲۱)

نتیجه گیری

هدف اصلی جامعه بین‌المللی کاهش آسیب‌های نامطلوب ناشی از مخاصمات مسلحانه است و از آنجا که حقوق بشردوستانه بین‌المللی، به دنبال ذره ای مدنیت است، در اثنای وخیم‌ترین رویداد فاجعه باری که جوامع انسانی می‌توانند تجربه کنند، می‌تواند به عنوان یکی از شاخه‌های قواعد بین‌المللی حقوق بشر طبقه بندی شود. هدف اصلی حقوق بین‌الملل بشر دوستانه این است که طرفین مخاصمه را ملزم نماید تا بین نظامیان و غیرنظامیان تفکیک قائل شود. چنین هدفی مورد قبول همه نظام‌های حقوقی می‌باشد و حقوق بشر دوستانه موقعی به این هدف خود نائل می‌شود که در عمل نیز مورد توجه طرفهای مخاصمه قرار گیرد. بنابراین اصل تفکیک مفهومی جز تمایز ندارد؛ تمایز میان اهداف نظامی و اهداف غیرنظامی. مهمترین اثر رعایت اصل تفکیک ممنوعیت حمله به غیرنظامیان است، برای رسیدن به چنین هدفی، نظامیان بایستی خودشان را از غیرنظامیان جدا نمایند؛ زیرا که طبق اصل تفکیک، رزمندگان می‌بایست خودشان را از مردم غیرنظامی تفکیک نموده و حملات خویش را صرفاً بر علیه اهداف نظامی انجام دهند.

مسئولیت دولت می‌تواند به مثابه راه حلی جهت اعمال قواعد حقوق بشردوستانه تلقی شود. نخست بدیهی می‌نماید که مسئولیت دولت تنها در روابط بین‌الدولی، یعنی در صورتی که مخاصمه مسلحانه بین‌المللی رخ دهد، می‌تواند قابل حصول باشد. اما مسئولیت دولت، بنا بر تعریف، گستره بیشتری را شامل می‌شود. در خصوص منع گسترش و استفاده از سلاح‌های شیمیایی اسناد و توافقات متعددی وجود دارد که به دو بخش قبل و بعد از پروتکل ۱۹۲۵ تقسیم گردیده است و توضیح مفصل آن گذشت. سازمان ملل متحد نیز در این خصوص اقداماتی انجام داده است که مستلزم همکاری هر چه بیشتر دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی فعال در این زمینه است. در خصوص رویه دولت‌ها نیز ذکر این نکته حائز اهمیت است که در طول جنگ جهانی دوم، علی‌رغم اینکه کلیه متخاصمان اصلی چون آلمان، ژاپن، ایتالیا، آمریکا، شوروی سابق، فرانسه و انگلیس دارای زرادخانه‌های سلاح‌های شیمیایی بودند، اما به دلایل ناشناخته، شاید ترس از اقدامات مقابله‌به‌مثل، حتی یک مورد از آن‌ها استفاده نکردند.

طبق ماده ۲ طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل درباره مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ۲۰۰۱، یکی از شرایط اساسی مسئولیت بین‌المللی دولت آن است که رفتار مورد بحث به موجب حقوق بین‌الملل به آن دولت قابل انتساب باشد. در هر حال آنچه در این پژوهش حائز اهمیت است، این موضوع می‌باشد که استفاده از سلاح شیمیایی توسط ارتش یک کشور در مخاصمات مسلحانه به وضوح متناسب به دولت متبوع آن ارتش می‌باشد. در طرح مفهوم نقض تعهد بین‌المللی مجدداً ضروری است که بر استقلال حقوق بین‌الملل مطابق اصل مذکور در ماده ۳ تأکید شود. مطابق ماده ۱۲، نقض تعهد بین‌المللی متشکل از مغایرت میان رفتار واقعی آن دولت و رفتاری است که او به موجب آن تعهد باید انجام داد. یعنی مغایرت میان الزامات حقوق بین‌الملل و حقایق موضوع، لذا این یک اصل پذیرفته شده است که هنگامی که دولتی یک فعل متخلفانه بین‌المللی را مرتکب می‌شود احتمالاً مسئولیت بین‌المللی او مطرح می‌شود فارغ از اینکه ماهیت تعهدی که او در اجرای آن قصور کرده است چه باشد.

بنابراین، استفاده از تسلیحات شیمیایی در جریان مخاصمه، چه علیه اهداف نظامی و چه علیه مواضع شهری فاقد استحکامات دفاعی، قطعاً برخلاف تعهدات بین‌المللی دولت‌ها و حقوق عرفی و معاهدات حاکم بر مخاصمات مسلحانه بوده است. این تحقیق بر این باور است که علاوه بر مسئولیت بین‌المللی دولت استفاده‌کننده از سلاح‌های شیمیایی، باید بر مسئولیت کیفری فردی عاملان و آمران این جنایات به‌موجب حقوق بین‌الملل پافشاری کرد. بر این اساس می‌توان گفت که با احراز ممنوعیت کاربرد تسلیحات شیمیایی در دهه ۱۹۸۰، نیازی به احراز جرم‌انگاری صریح آن وجود ندارد. به این ترتیب اگر دادگاه بین‌المللی حائز صلاحیت بتواند به موضوع رسیدگی کند، طبیعتاً نباید مشکل زیادی در بحث قانونی بودن جرم و مجازات داشته باشد.

واژنامه

Chemical Weapons Convention (CWC)	۱- کنوانسیون منع سلاح‌های شیمیایی
Jus ad bellum	۲- حقوق توسل به زور
Jus in bello	۳- حقوق زمان جنگ
Self-defense	۴- حق دفاع مشروع
Necessity	۵- ضرورت
Proportionality	۶- تناسب
International Humanitarian law	۷- حقوق بشردوستانه بین‌المللی

Reference

- ICJ, Legality of Threat or Nuclear Weapons, Advisory opinion, ICJ Reports (1996), 226, at 245, para. 41.
- Ranjbarian, Amir Hossein, (2002). Support for Civilians in Armed Conflict, Proceedings of the International Humanitarian Law Review, Secretariat of the National Committee for Humanitarian Rights. (In Persian)
- Tamshat, Christian, (2012). Human Rights, translated by Dr. Hossein Sharifi Tarazkoochi, Mizan Publishing, Autumn. (In Persian)
- Pearce Higgins, A.,(1990). The Hague Peace conferences, Cambridge University press.
- Jakia, Enrico and Statistics, Francesco, (1985). Chemical Weapons, Translator: Behrozi, Published by the Translation Department of the Ministry of Foreign Affairs. (In Persian)
- Rauch, (1982). "Etiological war far" Encyclopedia of public international law, Vol. 3.
- Aghaei, Bahman, (1988). "International Law and Chemical Weapons", Journal of Foreign Policy, Year 2, 1988, No. 3. (In Persian)
- Browlie, Ivan, system of the law of nations: state responsibility, oxford, Clarendon press.
- Ebrahim Gol, Alireza, (2015). International Responsibility of the Government: Text and Description of the Articles of the International Law Commission, translated by Alireza, Shahr-e-Danesh Publishing. (In Persian)
- ICJ Reports, 1999, p. 62.
- PCIJ Reports, 1923, p. 19 .
- ICJ Reports 1980, p. 3. Para. 56.
- ICJ Reports 1986, p. 14. Para. 115.
- ICJ Reports 1997, p. 7. Para. 57.
- ICJ Reports 1989, p. 15. Para. 70.
- ICJ Reports 1969, p. 3. Para. 63. And I.C.J. Reports 1986, p. 14. Para. 177.
- Baqerzadeh, Mohammad Reza, (2003). Guaranteeing the implementation of international peace and security, Qom, Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications. (In Persian)
- Hooshmand, Mohammadmehdi, (2013). "Efficacy of Foreign Investment on Economic Sanctions", International E-Conference on Economy under sanctions.
- Madani, Seyed Jalaluddin, (1998). Public International Law and Principles of Government Relations, Tehran, Paydar Publisher, Second Edition, Volume One. (In Persian)
- Muqtadar, Houshang, (1994). Public International Law, Tehran, Ministry of Foreign Affairs Publications, Second Edition. (In Persian)
- Musazadeh, Reza, (1997). Generalities of Public International Law, Tehran, Ministry of Foreign Affairs Publications, First Edition. (In Persian)